

زبان قرآن و مسائل آن

دکتر محمدباقر سعیدی روشن

تابستان ۱۳۸۹

سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۴۰ -

زبان قرآن و مسائل آن / محمدباقر سعیدی روشن. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹. شانزده، ۳۷۶ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۶۹. علوم قرآنی؛ ۱۳) و (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۳۳۳. علوم قرآن و حدیث؛ ۳۲).

ISBN: 978-600-5486-32-2

بهاء: ۴۱۵۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۳۳۱] - ۳۵۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه.

۱. قرآن - مسائل لغوی. ۲. قرآن - علوم قرآنی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و

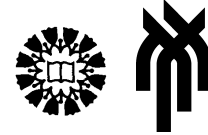
تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. ج. عنوان.

۲۹۷/۱۵۳

BP ۸۲ / ۲ / ۲۷ س / ۱۳۸۹

۱۹۶۰۱۸۳

شماره کتابشناسی ملی



زبان قرآن و مسائل آن

مؤلف: دکتر محمدباقر سعیدی روشن

ویراستار: غلامرضا بیات

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۹

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۱۵۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات: ۰۲۹۰۶۰۳۰)، شماره: ۲۹۰۹۳۱۰،

ص.ب: ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰

تهران: بزرگراه جلال آل‌احمد، تقاطع بل یادگار امام، روبه‌روی یمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، تلفن: ۰۴۴۲۳۴۸۴۲-۳، شماره: ۶۶۴۰۵۶۷۸

تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۲- تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، شماره: ۶۶۴۰۵۶۷۸



شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به
شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید و تدریس قرآن
در هر رشته‌ای از آن را مدّ نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید.

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقا کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، سی و دومین کار مشترک خود را با انتشار کتاب زبان قرآن و مسائل آن به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

کتاب حاضر برای طلاب و دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع دکتری به عنوان منبع درس «زبان قرآن» و منبع کمکی درس‌های «روش‌ها و مکاتب تفسیری»، «کلام جدید» و «علوم قرآن» در رشته‌های تفسیر و علوم قرآنی تدوین شده است.

امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	هدف
۳	نتایج
۴	نوآوری
۵	فصل اول: کلیات و مفاهیم زبان، زبان دین و زبان قرآن
۵	اهداف
۵	۱. مفهوم زبان
۶	۲. کاربرد واژه در قرآن
۷	۳. ارتباط لفظ و معنا
۸	۴. سطوح گوناگون در زبان گفتاری
۸	۴-۱. سطح نظام آوایی
۸	۴-۲. سطح نظام دستوری
۹	۴-۳. سطح نظام معنایی
۱۰	۵. تقسیمات زبان
۱۱	۵-۱. زبان اخباری و انشائی
۱۱	۵-۲. زبان حقیقی و زبان مجازی
۱۲	۵-۳. زبان نمادین و غیر نمادین
۱۴	۶. موقعیت‌های معنایی و زبان‌های مختلف
۱۵	۷. زبان و واقعیت
۱۶	۸. زبان، جهان‌بینی و نظام ارزشی
۱۷	۹. فلسفه زبان
۱۹	۱۰. زبان دین
۲۰	زمینه‌ها و ضرورت‌ها

۲۱	۱۱. زبان قرآن
۲۱	۱-۱۱. ضرورت و اهمیت
۲۲	الف) بعد معناشناختی و ضرورت درونی
۲۳	ب) بعد فرهنگی - اعتقادی و ضرورت بیرونی
۲۳	۱-۲. زبان دین و زبان قرآن خاستگاه‌های مشترک و متمایز
۲۴	۱-۳. مسائل اساسی زبان قرآن
۲۶	خلاصه و مرور
۲۷	خودآزمایی معلومات
۲۷	پژوهش و اندیشه
۲۷	مطالعه و دانش‌افزایی
۲۹	فصل دوم: زبان دین و دیدگاه‌های سنتی غرب
۲۹	اهداف
۲۹	۱. پیش‌زمینه‌های طرح زبان دین
۲۹	۱-۱. الهیات و زبان متون دینی
۳۰	۱-۲. تفسیر متون دینی
۳۱	۲. نظریه‌های زبان دین در حوزه تفکر یهود
۳۴	۳. نظریه‌های زبان دین در قلمرو دیانت مسیح <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۳۸	۴. برآورد کلی دیدگاه‌های سنتی در زبان دین
۴۰	خلاصه و مرور
۴۱	خودآزمایی معلومات
۴۱	پژوهش و اندیشه
۴۲	مطالعه و دانش‌افزایی
۴۳	فصل سوم: پوزیتیویسم و بی‌معنایی زبان دین
۴۳	اهداف
۴۳	مقدمه
۴۳	۱. عصر جدید
۴۴	۲. برخی زمینه‌های پیدایش عصر جدید
۴۵	۳. مؤلفه‌های فکری در عصر جدید
۴۵	۳-۱. تعمیم روش معرفتی تجربی
۴۷	۳-۲. ذهن‌گرایی کانت
۴۹	۴. رویکرد پوزیتیویستی و بی‌معنایی زبان دین

۵۲	۵. معیارهای معناداری از دیدگاه پوزیتیویست‌ها
۵۲	۱-۵. تحقیق‌پذیری
۵۴	۲-۵. تأییدپذیری تجربی
۵۴	۳-۵. ابطال‌پذیری
۵۵	۶. ارزیابی و نقد
۵۹	خلاصه و مرور
۶۰	خودآزمایی معلومات
۶۰	پژوهش و اندیشه
۶۱	مطالعه و دانش‌افزایی
۶۳	فصل چهارم: تحلیل زبانی و کارکردگرایی زبان دینی
۶۳	اهداف
۶۳	۱. پیش‌زمینه‌های نظریه کارکردگرایی در زبان دین
۶۴	۲. بازی‌های زبانی ویتگنشتاین متأخر
۶۵	الف) کارکردهای مختلف زبان
۶۵	ب) معنای زبان در پرتو کاربرد
۶۵	ج) صورتهای مختلف زندگی
۶۶	د) فهم هر زبان با شرکت در حیات آن
۶۷	۳. لوازم دیدگاه زبان‌های مختلف
۶۷	یک) نفی معیار مشترک و فراگیر
۶۷	دو) ایمان‌گرایی و نفی عقلانیت
۶۹	۴. زبان انشائی - اخلاقی
۷۱	۵. زبان تحریکی دین
۷۲	۶. کارکردهای فردی و اجتماعی دین
۷۲	۷. نقد کارکردگرایی
۷۲	یک) کارکردگرایی با کدام مبنا؟
۷۳	دو) غفلت از جوهر اصلی زبان
۷۳	سه) داوری بر ضد داوری
۷۴	چهار) ابهام در مفهوم صورتهای زندگی
۷۴	پنج) نبود راهبرد جامع به زبان دین
۷۵	شش) نفی درک وجدانی
۷۵	هفت) درک نادرست از ساختار زبان دینی
۷۶	خلاصه و مرور

۷۷	خودآزمایی معلومات
۷۸	پژوهش و اندیشه
۷۸	مطالعه و دانش‌افزایی
۷۹	فصل پنجم: نمادگرایی در زبان دینی
۷۹	اهداف
۷۹	مقدمه
۸۰	۱. مفهوم نماد
۸۱	۲. پیش‌زمینه‌های نمادانگاری زبان دین
۸۳	۳. دیدگاه‌ها و تقریرها از نمادانگاری زبان دین
۸۳	۳-۱. مجازی، کنایی و تمثیلی
۸۴	۳-۲. مجاز تحویل‌ناپذیر
۸۴	۳-۳. نماد ذهن‌گرا
۸۶	۴. عوامل طرح زبان نمادین در دین
۸۶	۴-۱. تعالی الهیات
۸۷	۴-۲. نارسایی زبان انسان برای تعبیر از حقایق دینی
۸۷	۴-۳. پرهیز از تشبیه‌گرایی
۸۷	۴-۴. دین برای حیرت‌افکنی
۸۹	۵. ارزیابی و تحلیل
۹۱	خلاصه و مرور
۹۳	خودآزمایی معلومات
۹۳	پژوهش و اندیشه
۹۳	مطالعه و دانش‌افزایی
۹۵	فصل ششم: واقع‌گرایی و شناختاری بودن زبان دین
۹۵	اهداف
۹۵	مقدمه
۹۶	۱. مبانی نظریه واقع‌گرایی
۹۶	۱-۱. اذعان به وجود واقعیت عینی
۹۸	۱-۲. وسعت قلمرو واقعیت
۹۸	۱-۳. امکان شناخت واقع
۹۹	۱-۴. واقع‌گرایی انتقادی
۹۹	۲. دلایل واقع‌گرایی

۹۹	۱-۲. حکایتگری ماهیت علم
۱۰۰	۲-۲. مسلّمات جامعه علمی
۱۰۰	۳-۲. امتناع دو نظریه متناقض
۱۰۱	۴-۲. فهم پذیری، معیار شناخت واقع
۱۰۱	۵-۲. تصویر واقعیت، ویژگی اصلی زبان
۱۰۱	۳. تقریرهای گوناگون از واقع گرایی
۱۰۱	۱-۳. احیای نظریه حمل تمثیلی
۱۰۴	۲-۳. معیار فراگیرتر برای آزمون واقعیت دین
۱۰۵	۳-۳. تحقیق پذیری اخروی
۱۰۶	۴-۳. مفاهیم دین با زبان تصویری
۱۰۷	۴. نقد و بررسی
۱۰۹	خلاصه و مرور
۱۱۱	خودآزمایی معلومات
۱۱۲	پژوهش و اندیشه
۱۱۲	مطالعه و دانش افزایی
۱۱۳	فصل هفتم: تمایز مبانی و زمینه های فکری اسلام و آیین یهودی - مسیحی
۱۱۳	اهداف
۱۱۳	۱. زمینه ها و مبانی دینی غرب
۱۱۳	۱-۱. دست نوشته های بشری جانشین وحی آسمانی
۱۱۴	۲-۱. نارسایی مفاهیم دینی برخاسته از متون بشری
۱۱۴	۱-۲-۱. خدای تجسمی
۱۱۵	۲-۲-۱. پیامبری نامقدس
۱۱۶	۳-۲-۱. وحی در ابهام
۱۱۸	۴-۲-۱. اعجاز یا هرکار شگفت
۱۲۰	۵-۲-۱. آلوده تباری انسان
۱۲۰	۶-۲-۱. ممنوعیت شناخت حقیقت
۱۲۱	۳-۱. تعطیل عقل
۱۲۲	۴-۱. تحدید علم
۱۲۲	۵-۱. ناسازگاری های درونی متون مقدس
۱۲۳	۲. واکنش های دوران جدید
۱۲۳	۱-۲. انفصال و رویارویی علم و دین
۱۲۴	۲-۲. تعمیم تجربه گرایی

۱۲۴ ۳-۲. استنتاجات متافیزیکی
۱۲۴ ۴-۲. نهضت اصلاح دینی
۱۲۴ ۵-۲. فلسفه‌های گوناگون
۱۲۵ ۶-۲. رهاوردها و نتایج
۱۲۷ ۳. زمینه‌های دینی - فکری جهان اسلام
۱۲۸ ۱-۳. قرآن، وحی صیانت‌شده خدا
۱۳۱ ۲-۳. محتوای قرآن
۱۴۱ ۴. آثار فکری، فرهنگی
۱۴۱ ۱-۴. سازگاری علم و دین
۱۴۲ ۲-۴. خدای قیوم
۱۴۳ ۳-۴. کمال شریعت
۱۴۴ ۴-۴. خردبنیادی و نگرش جامع به هستی
۱۴۶ خلاصه و مرور
۱۴۹ خودآزمایی معلومات
۱۵۰ پژوهش و اندیشه
۱۵۰ مطالعه و دانش‌افزایی
۱۵۱ فصل هشتم: زبان قرآن در ساحت مفردات
۱۵۱ اهداف
۱۵۱ مقدمه
۱۵۲ ۱. مفهوم حقیقت
۱۵۲ ۲. مفاد وضع
۱۶۰ ۳. ساختار سخن و معنا در مقام کاربرد (استعمال)
۱۶۱ ۴. فرهنگ و ساختار قرآن
۱۶۳ ۵. تحول معانی الفاظ در اثر دگرگونی نظریه‌ها؟
۱۶۴ نقد و بررسی
۱۶۶ ۶. گروه‌بندی واژگان قرآنی
۱۶۷ ۷. راهکار شناخت واژگان قرآنی
۱۶۹ خلاصه و مرور
۱۶۹ خودآزمایی معلومات
۱۷۰ پژوهش و اندیشه
۱۷۰ مطالعه و دانش‌افزایی

۱۷۱	فصل نهم: شیوه زبان قرآن
۱۷۱	اهداف
۱۷۱	۱. روش کشف شیوه زبان قرآن
۱۷۱	۱-۱. روش عقلی
۱۷۲	۲-۱. روش تلفیقی (عقلی - نقلی) در پرتو ویژگی های متن
۱۷۲	۱-۲-۱. شناخت از طریق ویژگی های متن
۱۷۲	۲-۲-۱. شناخت از راه گستره مخاطبان
۱۷۳	۳-۲-۱. شناخت از طریق هدف
۱۷۳	۳-۱. روش تجربی
۱۷۳	۲. دیدگاه ها در شیوه گفتار قرآن
۱۷۴	۱-۲. عرف عام
۱۷۵	دلایل دیدگاه عرفی
۱۷۶	۲-۲. زبان ترکیبی
۱۷۷	۳-۲. عرف خاص
۱۷۷	۱-۳-۲. نظریه تأویلی محض
۱۷۷	۲-۳-۲. نظریه محدودانگاری مخاطب
۱۷۷	۳-۳-۲. نظریه ویژگی محور
۱۸۱	۴. نقد، تحلیل و دیدگاه
۱۸۳	۵. ویژگی های زبان قرآن
۱۸۳	۱-۵. فایده مندنی همگانی
۱۸۴	۲-۵. سبک قرآن
۱۸۵	۳-۵. زبان فراگیر
۱۸۵	۴-۵. زبان ظاهر و باطن
۱۸۶	۵-۵. زبان فراتاریخی قرآن
۱۸۸	خلاصه و مرور
۱۹۰	خودآزمایی معلومات
۱۹۰	پژوهش و اندیشه
۱۹۰	مطالعه و دانش افزایی
۱۹۱	فصل دهم: زبان قرآن و نقش معرفت بخشی و انگیزشی
۱۹۱	اهداف
۱۹۱	مقدمه
۱۹۲	۱. هدف غایی و هدف واسطه ای

۱۹۲	۲. دین ترکیبی از گزاره‌ها و آموزه‌ها
۱۹۴	۳. رابطه دین و اخلاق؟
۱۹۶	۴. ارزیابی کلی جملات قرآن
۱۹۷	۴-۱. گزاره‌های دینی بیان واقعیت‌های نفس‌الامری
۱۹۸	۴-۲. آموزه‌های دینی و مصالح نفس‌الامری
۱۹۹	۵. ارتباط «باید» و «هست»
۲۰۱	تحلیل کلی تر از باید‌های ارزشی
۲۰۳	۶. تصریح بر نقش دوگانه
۲۰۴	۷. اوصاف قرآن
۲۰۵	۸. نقش تلفیقی در دو گروه جمله‌ها
۲۰۶	جمله‌های اخباری
۲۰۶	توصیف خدا
۲۰۷	توحید افعالی
۲۰۷	سنت‌های الهی
۲۰۷	آسمان‌ها
۲۰۸	مراحل پیدایش و تطور انسان
۲۰۸	داستان بلعم باعور
۲۰۹	سرنوشت ابولهب
۲۰۹	رخدادهای رستاخیزی
۲۱۰	تجسم و حضور اعمال
۲۱۰	شهادت اعضا و جوارح
۲۱۰	صحنه رستاخیز و سرنوشت نیکان و بدان
۲۱۱	نمونه جمله‌های انشائی
۲۱۳	۹. نگرش کارکردگرایانه به قصص قرآن
۲۱۵	نقد و بررسی
۲۱۹	خلاصه و مرور
۲۲۱	خودآزمایی معلومات
۲۲۱	پژوهش و اندیشه
۲۲۲	مطالعه و دانش‌افزایی
۲۲۳	فصل یازدهم: توجیه معرفت‌بخشی مفاهیم قرآن
۲۲۳	اهداف
۲۲۳	مقدمه

۲۲۳ مبانی نظری معرفت‌بخشی قرآن
۲۲۴ ۱-۱. هستی‌شناختی فراگیر
۲۲۴ ۲-۱. معرفت‌شناختی فراگیر
۲۲۷ ۳-۱. مبنای زبان‌شناختی
۲۲۸ ۲. روش تحقیق در مدعیات دینی
۲۳۰ ۳. دلایل معرفت‌بخشی دعاوی دینی
۲۳۱ ۱-۳. تحلیل عقلی معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآن
۲۳۲ ۱-۳-۱. تنزیه‌گرایی متکلمان جدید
۲۳۳ ۲-۱-۳. تحدید دامنه مجازگرایی در قرآن
۲۳۳ ۳-۱-۳. تمایز مجاز ادبی و فلسفی
۲۳۴ ۲. فلسفه زبان تصویر واقعیت
۲۳۴ ۳. رویکرد عقل‌انگیزی قرآن
۲۳۵ ۴. استدلال ورزی قرآن
۲۳۹ ۵. قرآن و جهان‌بینی آیه‌محور
۲۴۰ ۶. قرآن و جهان‌بینی غیب و شهود
۲۴۱ ۷. معرفت‌بخشی آموزه‌های قرآن
۲۴۲ خلاصه و مرور
۲۴۴ خودآزمایی معلومات
۲۴۴ پژوهش و اندیشه
۲۴۴ مطالعه و دانش‌افزایی
۲۴۵ فصل دوازدهم: زبان قرآن حیرت‌آفرین یا فیصله‌بخش؟
۲۴۵ اهداف
۲۴۵ مقدمه
۲۴۶ ۱. معما‌نگاری زبان قرآن
۲۵۱ ۲. نقد و نظر
۲۵۷ ۳. نظریه فیصله‌بخشی
۲۵۷ ۱-۳. روش عقلا تفهیم معنا
۲۵۷ ۲-۳. غرض یا نقض غرض
۲۵۸ ۳-۳. دلیل وجدانی
۲۵۸ ۴-۳. شواهد کتاب و سنت
۲۵۸ الف) تقدم فهم بر ایمان
۲۵۹ ب) تصریح برخی آیات

۲۶۰ نمونه‌ای از معارف و آموزه‌های گویای قرآن
۲۶۰ توحید
۲۶۲ نسبت زمانمندی در افعال خدا
۲۶۴ معاد و انسان
۲۶۵ نبوت
۲۶۵ ارزش‌ها و آموزه‌های قرآنی
۲۶۷ ویژگی‌های معارف قرآن
۲۶۸ الف) خردپذیری و خردپروری
۲۶۸ ب) هماهنگی با فطرت و سرشت مشترک انسان
۲۶۸ ج) واقع‌گرایی و اعتدال
۲۷۰ خلاصه و مرور
۲۷۳ خودآزمایی معلومات
۲۷۳ پژوهش و اندیشه
۲۷۳ مطالعه و دانش‌افزایی
۲۷۵ فصل سیزدهم: زبان چندبعدی قرآن
۲۷۵ اهداف
۲۷۵ مقدمه
۲۷۵ ۱. ظاهرگرایی و زبان تک‌وجهی قرآن
۲۷۶ ۱-۱. نگرش تک‌بعدی به زبان و معنا
۲۷۶ ۱-۲. نفی مجاز
۲۷۸ ۱-۳. توقف و پرهیز از تأویل (تفویض)
۲۷۹ ۱-۴. پیوند با حدیث محوری
۲۸۰ ۲. بررسی و نقد نظریه ظاهرگرایان
۲۸۱ ۲-۱. اکتفا به نازل‌ترین سطح زبان
۲۸۱ ۲-۲. غفلت از ساختار فرهنگی قرآن
۲۸۱ ۲-۳. خلط معنا با مصداق
۲۸۱ ۲-۴. نگرش محدود به منابع
۲۸۲ ۲-۵. نادیده گرفتن مرجعیت محکومات
۲۸۴ ۲-۶. دیدگاه اندیشمندان مسلمان
۲۸۶ ۲-۷. نتایج نامقبول
۲۸۷ ۳. تأویل‌گرایی و زبان گسترش‌پذیر قرآن
۲۸۷ ۳-۱. باطنیان

۲۸۹	نقد و بررسی
۲۸۹	یک: رویکرد ذوقی و روش غیراستدلالی
۲۸۹	دو: اخذ باطن و نفی ظاهر
۲۸۹	سه: لوازم نامقبول
۲۹۱	۲-۳. متصوفان
۲۹۳	نقد و بررسی
۲۹۴	۳-۳. طبیعت‌گرایان جدید و زبان تأویلی قرآن
۲۹۴	۱-۳-۳. راهبردهای پوزیتیویستی
۲۹۵	۲-۳-۳. تلاش در ناسوتی انگاشتن وحی
۲۹۷	نقد و ارزیابی
۲۹۷	۳-۳-۳. هرمنوتیک فلسفی و قرائت‌های متعدد
۲۹۹	نقد و بررسی
۲۹۹	۴. زبان قرآن، ماهیت چندوجهی، چندبُعدی
۲۹۹	۱-۴. ماهیت چندوجهی زبان قرآن
۳۰۱	۲-۴. ماهیت چندبُعدی زبان قرآن
۳۰۴	خلاصه و مرور
۳۰۷	خودآزمایی معلومات
۳۰۷	پژوهش و اندیشه
۳۰۷	مطالعه و دانش‌افزایی
۳۰۹	فصل چهاردهم: قرآن نزول تاریخی، حضور فراتاریخی (زبان فراعصری قرآن)
۳۰۹	اهداف
۳۰۹	مقدمه
۳۱۱	۱. فرض‌های قابل تصور در مورد هویت عصری یا فراعصری قرآن
۳۱۲	۲. دیدگاه فراعصری قرآن
۳۱۴	۳. تاریخی‌نگری قرآن
۳۱۷	۴. نقد و نظر
۳۱۷	۱-۴. تاریخیّت حقیقت یا طبیعت؟
۳۱۸	۲-۴. اتکاء علم و معرفت بر مبادی لایتغیر
۳۱۹	۳-۴. آیا اندیشه انسان به طور مطلق محکوم تاریخیّت است؟
۳۲۰	۴-۴. خروج موضوعی سخن خدا از اقتضائات عصری
۳۲۱	۵-۴. قرآن، متن الهی نه بشری
۳۲۲	۶-۴. آیا تاریخ را می‌توان بدون فلسفه تاریخ توجیه کرد؟

۳۲۴	۷-۴. مانایی قرآن و محدودیت‌ناپذیری مخاطبان آن
۳۲۶	۵. عوامل مؤثر در تاریخی‌نگری مفاهیم قرآن
۳۲۶	۱-۵. هرمنوتیک فلسفی
۳۲۶	۲-۵. روش معرفت‌شناختی تجربی و جهان‌بینی مادی
۳۲۷	۳-۵. ایدئولوژی لیبرالیستی
۳۲۷	۴-۵. انسان‌محوری
۳۲۸	نتیجه
۳۲۹	خلاصه و مرور
۳۳۰	خودآزمایی معلومات
۳۳۰	پژوهش و اندیشه
۳۳۰	مطالعه و دانش‌افزایی
۳۳۱	منابع و مآخذ
۳۵۱	نمایه‌ها
۳۵۱	نمایهٔ آیات
۳۶۴	نمایهٔ روایات
۳۶۵	نمایهٔ اعلام خاص
۳۶۶	نمایهٔ اعلام
۳۷۲	نمایهٔ کتاب‌ها و رساله‌ها

مقدمه

زبان دین امروز یکی از موضوعات مهم در فلسفه دین است که مسائل گوناگونی را دربر می‌گیرد. برخی از این مسائل البته دیرینه و کهن است: شیوه پیام‌رسانی الهی به مردم آیا همان زبان عرف عقلاست یا عرف ویژه؟ دین تنها دارای زبان ظاهری و یک‌بعدی است یا آنکه در عین برخورداری از زبان ظاهری دارای زبان تأویل‌پذیر و چندبعدی است؟ این پرسش‌ها نمونه پرسش‌های سنتی است که به حسب نیاز تفسیر متون دینی از دیرباز مطرح بوده است. اما برخی دیگر از این مسائل کاملاً جدید است یا دیدگاه‌هایی نویافته است. معنا و معناداری گزاره‌ها و آموزه‌های دین، بررسی نقش و کارکرد زبان دین از منظر انگیزشی و واقع‌گرایی، حیرت‌آفرینی یا فیصله‌بخشی زبان دین، تأثیرپذیری یا تأثیرناپذیری زبان دین از فرهنگ و زبان عصر، نیز در این راستا قابل ارزیابی است. این سنخ مسائل که اضلاع تازه‌ای در قلمرو زبان دین و نقطه ثقل مطالعات فیلسوفان دین و متألهان است، امروز در تطبیق با قرآن کریم نیز مطرح و نیازمند تحلیل جدی است. تعیین موضع در مسائل یاد شده مبنای تفسیر و هرمنوتیک خاص قرآن را رقم می‌زند و تأثیر راهبردی در تفسیر قرآن دارد.

نویسنده وقتی سال‌ها پیش موضوع زبان قرآن را به پژوهش گذاشت که این موضوع در محافل آموزشی ما چندان شناخته نبود. اما امروز این موضوع بحمدالله یکی از دروس دوره تکمیلی در برخی از رشته‌های الهیات است. دیدگاه این جانب آن است که پس از طرح و پردازش موضوعات نوپدید و باگذر از دوره تمهیدی، جامعه علمی ما نباید گرفتار ایستایی، خودفریبی و موازی‌کاری‌های بیهوده گردد؛ بلکه از این پس باید جهت‌گیری پژوهش در آن موضوع به سمت مسئله‌شناسی و حرکت در مسیر نظریه‌پردازی معطوف باشد. از این رو از

جمله تفاوت‌های این اثر با کتاب تحلیل زبان قرآن، ساختار مسئله‌شناسانه و پردازش محتوایی این مسائل است، تا زمینه پیدایش دیدگاه‌های نو فراهم آید. افزون بر نگاه مسئله‌شناسی، رویکرد آموزشی نیز در تدوین این متن مورد نظر بوده است. ساختار هندسی و محتوای علمی این اثر که حاصل مطالعات پیوسته و تدریس مکرر برای دانش‌پژوهان سطوح عالی حوزه و دانشگاه است، منشأ تفاوت‌های اساسی میان این متن و کتاب تحلیل زبان قرآن است.

بنابراین تلاش شده است در سیری منطقی نخست مفاهیم مربوط به پژوهش از جمله اصطلاحات زبان، زبان دین و زبان قرآن توضیح یابد، سپس مسائل مطرح در زبان دین و نگرش‌های سنتی و دیدگاه‌های جدید غرب بیان شود تا زمینه مناسبی برای ورود به مسائل زبان قرآن و ضرورت طرح آنها فراهم آید. یک فصل از این بخش به دیدگاه‌های سنتی اختصاص یافته، لکن بی‌معنایی زبان دین، کارکردگرایی زبان دینی، نمادگرایی در زبان دینی و واقع‌گرایی انتقادی، فصول چهارگانه‌ای است که به دلیل اهمیت آنها به گزارش و نقد دیدگاه‌های جدید غرب در قلمرو زبان دین اختصاص یافته است. تمایز مبانی و زمینه‌های فکری اسلام و آیین غرب، فصلی است که به‌طور راهبردی نقطه انفصال رویکرد ما در تحلیل زبان قرآن و دیدگاه‌های جدید غرب در زبان دین را رقم می‌زند. پس از این مباحث تمهیدی که نقش کلیدی در چگونگی تبیین زبان قرآن دارد، فصول بعد به صورت تفصیلی مسائل زبان قرآن را بررسی می‌نماید. در این بخش نخست زبان قرآن در مفردات تحقیق می‌شود، آنگاه مسائل متعلق به حوزه جملات قرآن بررسی می‌شود. معنا و معناداری زبان آموزه‌ها و گزاره‌های قرآن، فصلی است که به مفهوم و معیار معناداری و چگونگی معناداری زبان قرآن می‌پردازد و موضع ما را در معناداری زبان قرآن تعیین می‌کند. شیوه‌شناسی زبان قرآن فصل دیگری است که نویسنده در طی آن دیدگاه‌های گوناگون را ارزیابی کرده است، و نظریه و ویژگی محور را ارائه می‌نماید. کارکردشناسی زبان قرآن فصل دیگری است که زبان قرآن را از منظر دو نوع کارکرد نظری و عملی بررسی می‌کند. در فصل یازدهم که ادامه و تکمیل فصل قبل است، درباره مبانی و دلایل معرفت‌بخشی (حاکی بودن از واقعیت) گزاره‌ها و آموزه‌های قرآن بحث می‌شود. فصل دوازدهم «حیرت‌آفرینی یا فیصله‌بخشی زبان قرآن» یکی دیگر از مسائل مطرح در زبان دین را در تطبیق با قرآن کریم بررسی نموده، جهت‌گیری ایضاحی زبان قرآن برای هدایت انسان در بینش و کنش توحیدی را تبیین و

دیدگاه معما‌نگاری و خاتمه‌ناپذیری منازعات متن دین را نقد می‌کند. زبان چندبُعدی قرآن ناظر به این مسئله نسبتاً قدیمی است که زبان قرآن تنها در بُعد ظاهری و در یک جهت خاص محدود نبوده، بلکه افزون بر آن، دارای اضلاع گونه‌گون و ژرفاهای باطنی نیز هست. آخرین فصل این اثر به ارزیابی یکی از مسائل بسیار مهم و مطرح در دوران جدید یعنی عصری بودن و فرهنگ زمانه اختصاص یافته است. در این فصل نیز نویسنده با تحلیلی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی، قرآن را در عین ناظر دانستن به واقعیت‌های زندگی انسان، برخوردار از هویتی جاویدان می‌شمارد. نظریه‌ای که در اینجا عرضه می‌شود «نزول تاریخی و حضور فراتاریخی قرآن» است.

هدف

- اهداف مورد نظر در این پژوهش را می‌توان به اختصار در امور ذیل ملاحظه کرد:
۱. تنقیح روش تفسیر قرآن با ایضاح یکی از اساسی‌ترین مبانی آن؛
 ۲. مسئله‌شناسی در حوزه علوم قرآن که زمینه را برای نظریه‌پردازی و تولید علم فراهم می‌سازد؛
 ۳. تجزیه و تحلیل مسائل مختلف متعلق به زبان قرآن با رویکرد ایجابی (پردازش نظریه) و با استناد به مبانی معرفتی استدلالی و هستی‌شناختی توحیدی.

نتایج

- نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان امور ذیل دانست:
۱. ارائه اطلاعات اساسی در موضوع زبان دین و زبان قرآن به عموم مخاطبان علاقه‌مند؛
 ۲. کشف و عرضه دیدگاه‌های بدیل متناسب با مبانی معرفتی قرآن کریم در مسائل زبان قرآن؛
 ۳. پاسخگویی به مهم‌ترین پرسش‌ها، نقد دیدگاه‌های ناهمخوان با مبانی اعتقادی ناظر به قرآن و زدودن شبهات در موضوع زبان قرآن؛
 ۴. تأمین متن آموزشی برخوردار از پشتوانه پژوهشی، متناسب با سطوح تحصیلات تکمیلی رشته‌های الهیات دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی حوزه همچون رشته تخصصی تفسیر، کلام.

نواوری

چند ویژگی ملحوظ نظر نویسنده بوده است که به احتمال از ویژگی های خاص این اثر باشد:

۱. رویکرد مسئله شناسانه به موضوع زبان قرآن که در آثار دیگر به چشم نمی خورد؛
۲. رویکرد ایجابی به مسائل زبان قرآن نه رویکرد دفاعی؛
۳. ارائه نظریه بدیل در مسائل زبان قرآن در مقابل نظریه های رقیب که در مسائل زبان دین مطرح شده است. تبیین معناداری، راهکار توجیهی معرفت بخشی آموزه ها و گزاره های قرآن، تبیین هنجارمندی و فیصله بخشی زبان قرآن، طرح زبان چندبعدی قرآن، نظریه زبان فراعصری قرآن و دیدگاه ویژگی محور در شیوه زبان قرآن از آرای نوی است که حاصل این پژوهش است.

در پایان از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به ویژه رئیس محترم پژوهشگاه دانشور فرهیخته جناب حجة الاسلام والمسلمین اعرافی، دام عزه، شورای محترم علمی گروه که مجال این پژوهش را فراهم آوردند و نیز همه دوستانی که در تکمیل این اثر سهمی داشته اند، به ویژه فاضل محترم آقای دکتر اسعدی عضو هیأت علمی گروه، آقای فتحی و آقای حاج ابوالقاسمی، دانشجویان دکتری پژوهشگاه، و برادر محترم آقای محسن یوسفی کارشناس گروه علوم قرآنی سپاس می گویم و توفیق و رضای الهی را برای همه عزیزان مسئلت دارم.

الحمد لله ولا قوة الا بالله

محمدباقر سعیدی روشن

خرداد ۱۳۸۸ برابر با جمادی الاولی ۱۴۳۰

فصل اول

کلیات و مفاهیم زبان، زبان دین و زبان قرآن

اهداف

- * تبیین مفاهیم حوزه زبان، زبان دین و ترسیم چشم‌انداز کلی مسائل زبان قرآن؛
- * شناخت مفهوم زبان، زبان، کارکردها و تقسیمات گوناگون آن؛
- * آشنایی با فلسفه زبان و نسبت آن با زبان دین؛
- * آشنایی با مفهوم زبان دین، زمینه‌ها و مسائل آن؛
- * تبیین مسائل مهم زبان قرآن و اهمیت و ضرورت آنها.

۱. مفهوم زبان

زبان در لغت، به معنای معروف یعنی اندام ماهیچه‌ای و متحرک داخل دهان و مهم‌ترین ابزار گویایی^۱ و نیز گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان فارسی یا انگلیسی،^۲ یکی از جنبه‌های اسرارآمیز وجود انسان است که با توجه به پیچیدگی و گستردگی آن پس از قرن‌ها کاوش هنوز به‌طور بایسته شناخته نشده است.

البته در این مطلب توافق است که: زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است. تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است.^۳ ما حتی هنگامی که در خلوت خویش در حال اندیشیدن هستیم، باز هم از توانایی زبان برخورداریم؛ بی‌آنکه گفتاری در میان باشد. همین‌طور کسانی که بر اثر حوادث یا به‌طور مادرزاد از تکلم محروم‌اند، از نعمت زبان بی‌بهره نیستند؛ جز اینکه به هنگام استفاده از آن به جای علائم

۱. ر.ک: مشیری، نخستین فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، ص ۵۳۴.

۲. ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، ص ۱۱۱۳۰. ۳. ر.ک: باطنی، زبان و تفکر، ص ۱۱۲.

آوایی یا گفتار، از نمودهای حرکتی (حرکت دست و لب) کمک می‌گیرند. لازم است یادآور شود که زبان به توانمندی ساخت نشانه‌ها نوعی استعداد ویژه و نظامی فراگیر و کلی است، اما تکلم و گفتار جنبه فردی و قومی به خود می‌گیرد.

۲. کاربرد واژه در قرآن

واژه «لسان» در لغت عرب، به معنای زبان، وسیله گویش و لغت گویش است.^۱ ملاحظه کاربردهای قرآنی این واژه نشان می‌دهد که «لسان» و معادل‌های آن در معانی ذیل به کار رفته است: یک عضو گوشتی^۲ درون دهان که با رشته عضلات نرم و لطیف در سخن گفتن، گرفتن و گردانیدن غذا او را یاری می‌رساند: **وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ**.^۳

دوم به مفهوم «لغت و گویش» که هر قوم و ملتی زبان ویژه‌ای دارد.^۴ ابن منظور می‌نویسد: **وَقَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ؛**^۵ **أَيُّ بِلُغَةِ (= زَبَان) قَوْمِهِ.** «و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستایم».

یا در آیه ۱۰۳ سوره نحل: **يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ؛** «آنان می‌گویند: جز این نیست که بشری به او می‌آموزد؛ (چنین نیست، زیرا) زبان آن کس که (قرآن را) به او نسبت می‌دهند، غیر عربی است و این (قرآن به) زبان عربی روشنی است».

آیه ۹۷ سوره مریم نیز از قبیل مفاد آیات فوق است: **فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا؛** «باری، جز این نیست که ما آن (قرآن) را به زبان تو آسان ساختیم تا بدان پرهیزگاران را مژده دهی و ستیزه‌جویان را بیم». و به این معنی در آیات دیگر نیز آمده است.^۷

سومین مفهومی که می‌توان برای کلمه «لسان» در قرآن استفاده کرد، «بیان و گفتار» است. **وَأَخِي هَزُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ...؛**^۸ «و برادرم هارون زبان‌آوردتر از من است، پس، او را با من بفرست».

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ماده «لسن»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸۵.

۲. بلد، ۹.

۳. مفردات راغب، ص ۷۴۰.

۴. ابراهیم، ۴.

۵. رک: همان، ص ۷۴۰.

۶. رک: زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۴۸؛ المیزان، ج ۱۶ در تفسیر آیه یاد شده و نیز: دخان، ۵۸.

۷. قصص، ۳۴.

۸. شعراء، ۱۲، شعراء، ۱۹۵.

یا وَأَحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي؛^۱ «به من نیروی گفتار رسا و بیان کامل عطا کن»، زیرا کاستی و گرهی در زبان طبیعی موسی عَلَيْهِ السَّلَام نبوده است.^۲

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ؛^۳ «کافران از بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شده اند».

واژه «بیان» در عبارت شریف عَلَّمَهُ الْبَيَانَ^۴ مفهوم قدرت تکلم در انسان را می‌رساند. این تعبیر شاید نزدیک‌ترین معنا نسبت به اصطلاح علمی زبان باشد. از این رو مفسران می‌نویسند: «بیان» آشکار نمودن یک چیز است و غرض از آن همان اظهار مافی الضمیر است و این از شگفت‌ترین نعمت‌ها و تعلیم آن به انسان از عنایت‌های ویژه خدا به آدمی است.^۵

پس سخن و بیان، تنها به کار گرفتن ریه و حنجره و ایجاد صدا نیست، بلکه انسان با الهام الهی از توالی اصوات و آواها حروف و از ترکیب حروف علایمی برای رساندن مفاهیم می‌سازد که اشیاء غایب از ادراک مخاطب را نمودار می‌سازد و به گوینده توان می‌دهد که حقایق ریز و درشت و نهان و عیان گذشته و آینده عالم را عینی نماید، همان‌گونه که می‌تواند منشأ احضار معانی نامحسوس شود که انسان تنها با فکر خود بدان می‌رسد. بررسی کاربردهای قرآنی این واژه نیز می‌رساند که واژه لسان به معنای نحوه سخن گفتن یا وسیله سخن گفتن آمده است.

۳. ارتباط لفظ و معنا

چنان که گفته شد توانایی ارائه معنا از طریق گفتار، از ویژگی‌های انسان است. از سوی دیگر اساسی‌ترین عنصر زندگی اجتماعی بشر نیز ارتباط با دیگران است. از آنجا که انسان برای انتقال داشته‌های ذهنی خود یا گزارش اشیاء خارجی نمی‌تواند به‌طور مستقیم خود آنها را به مخاطب ارائه کند، ناگزیر برای این منظور مناسب‌ترین وسیله تفهیم و تفاهم، بهره‌گیری از نشانه‌های زبانی (الفاظ) را به کار می‌برد.^۶

زبان انسان، ترکیبی از دو عنصر لفظ و معناست. علایم و نشانه‌های کلامی، مرتبط با واقعیت‌های بیرونی و بیانگر معانی است. این ارتباط چنان وثیق است که در فضای تعامل

۱. طه، ۲۷. ۲. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، در ذیل آیه فوق.

۳. مائده، ۷۸. ۴. رحمان، ۴.

۵. میزان، ج ۱۹، ص ۹۵-۹۶ با تلخیص و گزینش. ۶. نجفی، مبانی زبان‌شناسی، ص ۲.

خویش با دیگران، هنگامی که سخن گوینده‌ای را می‌شنویم، ذهن ما بدون التفات به صورت الفظی که او ابراز می‌کند یکسر با معانی روبه‌رو می‌شود، چندان که زشتی و زیبایی معنا باعث محبوبیت یا منفوریت الفاظ می‌شود. در هر نشانه سه عنصر وجود دارد: دال یا نشانه، مدلول یا معنا و رابطه میان آن دو که دلالت نام دارد. نزد پاره‌ای از منطقیان برای رسیدن از نشانه به شیء، یا عین خارجی، باید از هر دو مرحله (دلالت) گذشت: دلالتِ دال بر مدلول و دلالتِ مدلول بر شیء خارجی.^۱

۴. سطوح گوناگون در زبان گفتاری

زبان در نمود گفتاری خود سطوحی دارد که اشاره مختصر به آن بی‌ارتباط با مباحث آینده نیست.

۴-۱. سطح نظام آوایی

صداها و قواعد ترکیب آنها که ساخت‌های آوایی را می‌سازند نخستین سطح از ظهور گفتاری زبان است که واج‌شناسی نام دارد. کلمه «بار» از حروف «ب»، «ا» و «ر» تشکیل شده است که به هر یک از صداها این کلمه، به اعتبار تلفظ، واج می‌گویند، همان‌طور که به اعتبار کتابت حرف می‌نامند. واج کوچک‌ترین واحد صوتی زبان است که معنا ندارد، اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند؛ مثلاً اگر در واژه «سر» به جای واج «س»، واج «پ» بگذاریم، می‌شود «پر» و معنای واژه عوض می‌شود. همچنین اگر در واژه کُل به جای «ئ»، «ب» بگذاریم، واژه‌ای جدید با معنای دیگر ساخته می‌شود. پس «ئ» واج است.

۴-۲. سطح نظام دستوری

نشانه‌های زبان و قواعد ترکیب آنها به منظور ساختن کلمات، عبارات و جملات، سطح دیگری از نمود گفتاری زبان است. این سطح خود دو بخش صرف و نحو دارد، که در بخش صرف نشانه‌های ساده مانند: باغ، بان (باغبان) و ترکیب تکواژه‌ها تا حد کلمات مشتق مثل «باغبان» و کلمات مرکب مثل «کتابخانه» یاد می‌شود. در بخش نحو نیز به شیوه ترکیب کلمات تا سطح گروه و انواع آن توجه می‌شود.

۱. ر.ک: طوسی، اساس الاقتباس، ص ۶۳.

جمله مستقل بزرگ‌ترین واحد زبانی است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نیست. مانند: گلستان سعدی (نهاد)، مجموعه‌ای از پندها و حکمت‌هاست (گزاره).

جمله سخنی است تشکیل یافته از یک یا چند گروه که به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌شود و پس از جمله مستقل، بزرگ‌ترین واحد زبان است. «دانشگاه محل پژوهش است». گروه پس از جمله، بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود و در ساختمان جمله به کار می‌رود؛ مثل: اجرام، اجرام آسمانی، مطالعه اجرام آسمانی. واژه یکی از واحدهای زبانی است که از یک یا چند تکواژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر، یعنی گروه، به کار می‌رود. واژه می‌تواند مفهومی مستقل داشته باشد، مثل «میز»، یا مفهومی غیرمستقل داشته باشد، مثل «در، که».

تکواژ یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می‌شود، تکواژ گاهی معنا و کاربرد مستقل دارد، مثل «میز»، در این صورت آن را تکواژ آزاد می‌نامند؛ گاهی نیز کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه‌های دیگری به کار می‌رود که آن را تکواژ وابسته می‌نامند؛ مثل «گار» در واژه پرهیزگار.

بدین‌رو ساختار زبان بر این اساس شکل می‌گیرد: واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله، جمله مستقل.

۳-۴. سطح نظام معنایی

اهالی یک زبان چگونه منظور یکدیگر را درک می‌کنند، چرا برخی از واژه‌ها را «مستعمل» و برخی را «مهمل» می‌دانند، بعضی جمله‌ها را معنادار می‌دانند و می‌پذیرند و بعضی را بی‌معنا می‌پندارند و رد می‌کنند؛ در صورتی که ممکن است تعدادی از جمله‌ها را هرگز نشنیده باشند؟ به عبارت دیگر، دریافت معنا چگونه انجام می‌شود؟ این مطلب بیش از هر چیز به سطح نظام معنایی مربوط می‌گردد. معنی‌داری واژه‌ها در هر جامعه زبانی چون فارسی، انگلیسی، عربی و غیره، وابسته به وضع آنها در آن زبان است. برای مثال کلمه زید در زبان عربی دارای وضع است و مستعمل به شمار می‌آید، اما واژه دیز فاقد وضع و مهمل است. اما معنی‌داری در سطح جملات، افزون بر این مشروط است به: یک؛ رعایت نظم دستوری و درستی ترکیب واژه‌ها در هر جامعه زبانی، دوم تناسب و همگرایی واژه‌ها و

روابط مفهومی آنها با یکدیگر، پس کلمات بیگانه از هم نمی‌توانند مفهوم و مقبول افتند. اگر این شرایط برقرار بود جمله معنی‌دار و مستعمل خواهد بود.

البته باید توجه داشت که چون زبان یک دستگاه است، تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر آن، در ارتباط آنها با سایر عناصر میسر است. اگر به این دو جمله بنگریم: «علی نشسته است»، «این واژه نشسته است»؛ جمله دوم غیر مستعمل و بی‌معنا می‌نماید؛ زیرا در نظام معنایی زبان فارسی بین لفظ «نشستن» و حالت و وضعیت خاص شخص در جهان خارج - کاری فعلی که از کسی سر می‌زند - پیوندی آشنا وجود دارد. ولی همین کلمه با اندکی تغییر در جمله دوم نیز معنادار می‌شود، مثل اینکه بگوییم: «این واژه، در این جمله خوش نشسته است».

نکته دیگر آن است که هر واحد زبانی دو معنای مستقیم و غیر مستقیم دارد؛ معنای مستقیم یعنی معنای روشن و مشخص آن واحد و معنای غیر مستقیم یعنی معنای حاصل از همنشینی هر واحد زبانی با واحد زبانی دیگر. اگر به این دو جمله توجه کنیم: «چه ماه روشنی! چه ماه دور و درازی!»، می‌بینیم که واژه‌های روشن و دور و دراز علاوه بر معنای مشخص خود، از طریق رابطه همنشینی، در تشخیص معنای «ماه» نیز کمک می‌کنند و در حقیقت، به کمک آن دو می‌فهمیم که منظور از ماه نخست، ماه آسمانی و منظور از ماه دوم، یکی از دوازده ماه سال است.

نیز می‌توان گفت کلمات به‌تنهایی حامل معنای نهایی نیستند و باید در جمله بیابند تا معنا را کامل برسانند. بعضی از کلمات نیز به‌تنهایی اصلاً نمی‌توانند خود را بشناسانند و لازم است در زنجیره سخن قرار گیرند. یافتن معنا در پاره‌ای موارد نیز آسان نیست؛ مثلاً همه معنای واژه‌های «دست»، «بالا» و «بسیار» را می‌فهمیم، اما وقتی با این واژه‌ها جمله: «دست بالای دست بسیار است» را می‌سازیم، نمی‌توان با فهم معنای فردی آنها معنای کل جمله را دریافت کرد.

۵. تقسیمات زبان

زبان گفتار بر اساس محتوا و چگونگی انتقال مطلب، به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شود. در اینجا برخی از تقسیمات را که در زبان دین استفاده می‌شود بیان می‌کنیم.

۱-۵. زبان اخباری و انشائی

تقسیم‌بندی محوری زبان، تقسیم زبان به «زبان اخباری» و «زبان انشائی» است. جملات با ملاحظه معنا و مفادشان دو گونه‌اند: یکی جملات قابل صدق و کذب که آنها را اخباری نامند،^۱ دوم جملات غیر قابل صدق و کذب که آنها را انشائی نامند. جملات انشائی اقسام گوناگون دارند و شمارشان به بیش از بیست نوع می‌رسد؛ جملاتی چون: امر، نهی، استفهام، و.... وجود هر دو نوع اخبار و انشاء در قرآن کریم مورد اتفاق است. این تقسیم‌بندی و خصوصیت هر یک از جملات اخباری و انشائی در حکایت از واقع یا عدم حکایت، از مسائل اساسی در زبان دین است. بحث اخبار و انشاء در مسائل گوناگون زبان قرآن از جمله در شناخت کارکرد آن، کاربرد دارد.

۲-۵. زبان حقیقی و مجازی

همین‌طور الفاظ، به اعتبار وفاداری به معنای وضعی لغوی، یا عدول از آن، زبان حقیقی و مجازی را پدید می‌آورد. از حقیقت و مجاز تعریف‌های گوناگونی شده است.^۲ معنای حقیقی هر لفظ (حقیقت لغوی) همان معنای اولیه‌ای است که لفظ برای آن وضع شده است. و معنی مجازی آن است که لفظ برای آن وضع نشده باشد.

مجاز نوعی توانمندی به زبان می‌بخشد که راهیابی به معانی بیشتر از نقش قراردادی اولیه برای واژه را تسهیل می‌کند. مجاز بر دو نوع است: «مجاز عقلی» و «مجاز لغوی». مجاز عقلی عبارت است از نسبت دادن فعل به چیزی که فاعل یا نایب فاعل حقیقی آن نیست، ولی از وابسته‌های فاعل یا نایب فاعل است و به گونه‌ای با آن تناسب دارد. مانند اسناد فعل به زمان یا مکان: «بهار گیاه را رویاند»، که اسناد رویاندن به «بهار» که زمان رویاندن است، مجازی است و بهار زمان رویدن است نه علت آن.^۳

۱. ر.ک: مظفر، المنطق، ص ۵۸.

۲. «هی کل کلمة أريد بها ما وقعت له في وضع واضح - وإن شئت قلت: في مواضعه - وقوعاً لا تستند فيه إلى غيره» جرجانی، اسرار البلاغة، ص ۳۲۴؛ «الكلمة المستعملة فيما هي موضوعة له، من غير تأويل في الوضع» سكاكي، مفتاح العلوم، ص ۱۵۲؛ «الحقيقة هي اللفظ الدالة على موضوعه الاصلی» ابن اثیر، المثل السائر في ادب الكاتب والشاعر، ج ۱، ص ۵۸. و در تعریف مجاز هم گفته‌اند: «كل كلمة أريد بها غير ما وقعت له في وضع واضعها لملاحظة بين الثاني والاول»، جرجانی، همان، ص ۳۶۶.

۳. ر.ک: تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۴۵۶؛ تفتازانی، مختصر المعانی، ص ۱۵۴.

مجاز لغوی به کار بردن لفظ در معنایی است که برای آن وضع نشده است، ولی ارتباط خاصی با معنای حقیقی آن لفظ دارد، که اگر آن ارتباط، مشابهت باشد، «استعاره» نام دارد و اگر غیر از مشابهت باشد، مانند ارتباط جزء و کل یا لازم و ملزوم، آن را مجاز مرسل می‌نامند؛ چنان که دست را بگویند و از آن معنای قدرت و سلطه را اراده کنند.^۱

البته شرط کاربرد لفظ در معنای مجازی، وجود قرینه است؛ قرینه‌ای که افزون بر نقش خود، معنای مجازی مورد نظر را نیز تعیین کند. این قرینه گاه لفظی یا مقالی، و گاه حالی یا معنوی است.

شناخت حقیقت و مجاز در زبان و نیز زبان متون دینی از جمله قرآن^۲ برای تشخیص گستره مفاهیم حقیقی و مجازی، و مفاهیم تأویل‌پذیر یا تأویل‌ناپذیر در تفسیر متون دینی، اهمیت دارد؛ همچنان که این بحث در چگونگی تحلیل مسئله معرفت‌بخشی زبان متون دینی تأثیر بسزایی دارد.

۳-۵. زبان نمادین و غیر نمادین

برخی از دیدگاه‌های جدید در زبان دین تمایل به رویکرد زبان نمادین دارد و در آنها از تعبیر گوناگون رمز، تمثیل و اسطوره استفاده می‌شود. رمز واژه‌ای عربی معادل کلمه سمبل^۳ در زبان‌های اروپایی و معادل نماد در زبان فارسی است که به معنای اشاره کردن، نکته، راز، سرّ، چیز نهفته میان دو کس، معما، و... به کار می‌رود.^۴ معنای کلی رمز عبارت از هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی است که بر معنا و مفهومی در پس آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت دارد. معنای مشترک تمام الفاظ فوق، صراحت نداشتن و پوشیدگی است.^۵ زبان رمزی نیز نوعی از زبان مجازی است که شرط علاقه یا مناسبت در آن را به دشواری می‌توان شناسایی کرد.

آیا می‌توان جهت‌گیری اساسی زبان دین را زبان رمزی دانست یا نه؟ سؤالی است که ناگزیر در بررسی زبان دین مطرح می‌شود و در مباحث بعدی بررسی خواهد شد.

۱. تهانوی، همان؛ همایی، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۲۴۶؛ تفتازانی، همان، ص ۱۵۴.

۲. ر.ک: حسینی، أسالیب الیسانی فی القرآن، ص ۳۹۱-۴۵۴.

3. symbol

۴. لغت‌نامه دهخدا، ج ۷، ص ۱۰۷۷۸.

۵. پورنامداریان، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، ص ۱-۴.

مَثَل را در فارسی به کلماتی چون، مانند، همتا، مثل، داستان،... نیز ترجمه کرده‌اند و در عربی گاه به جای «مَثَل دوم» کاف تشبیه می‌آید: *إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ...* ابن اثیر^۱ یکی از معانی مَثَل را تشبیه می‌داند. چنان که مَثَل و تمثیل را یکی می‌داند. پس مَثَل را می‌توان یکی از انواع تشبیه دانست.

معنای اصطلاحی دیگر مَثَل، قول سائر (ضرب‌المثل) است. در علم بلاغت، تمثیل بیان غیر مستقیم یا مجازی تلقی می‌شود که گوینده با آن چیزی می‌گوید، اما مقصودش چیز دیگری است. بنابراین تمثیل نیز چون استعاره، در قالب حکایت کوتاه یا بلند، پیامی اخلاقی، دینی، عرفانی یا اجتماعی و جز آن را با شرح یا رازوار بیان می‌کند.

حکایت مرد گریزان از شتر مست که به چاه می‌افتد^۲ (تصویر حال انسان در گذران روزگار و غفلت از آخرت)، مناظره عقل و عشق در کنز السالکین خواجه عبدالله (۴۸۱ق)، مونس العشاق شیخ اشراق، قصه طوطی و بازگان در مثنوی معنوی و مانند آن را می‌توان از نمونه‌های تمثیل رمزی برشمرد. نکته مهم در این‌گونه داستان‌ها این است که در پرتو ذهن خیال‌پرور گوینده، اشیاء، حیوانات، بلکه مفاهیم انتزاعی چون عقل، عشق، و غیره به‌طور مجازی شخصیت پیدا کرده‌اند.

زبان رمزی و تمثیلی به‌طور مستقیم از واقعیت حکایت نمی‌کند و اساساً واقعیتی و رای پیام‌های معنوی، عرفانی یا اجتماعی آنها نیست؛ هر چند ممکن است واقعیتی مبنای آن پیام باشد. از این‌رو، در پیمانه این قصه‌ها باید در جست‌وجوی دانه معنای نه مفاد لفظی آنها.

این کلیلله و دمنه جمله افتراست	ورنه کی با زاغ لک‌لک را میراست
ای برادر قصه چون پیمانه‌ای است	معنی اندر وی مثال دانه‌ای است
دانه معنی بگیرد مرد عقل	ننگرد پیمانه را گرگشت نقل

نوع دیگری از داستان‌ها در زبان وجود دارد که اساس آنها، تخیل محض و ره‌آورد آنها صرفاً اسطوره‌های سرگرم‌کننده است؛ مانند اساطیر خیالی منسوب به ادیان و خدایان برساخته تخیل بشر و از جمله داستان‌های افسانه‌ای ایران باستان که شاهنامه و خدای‌نامه، از سلسله‌های پیشدادیان و کیانیان نقل کرده‌اند و تعدادی از رُمان‌هایی که در روزگار ما نگاشته می‌شود.

۱. ر.ک: ابن اثیر، المثل السائر، ج ۱، ص ۱۱۶. ۲. برزویه، کلیلله و دمنه، ص ۵۶.

واژه اسطوره را سخن پریشان و بیهوده، سخن باطل، افسانه، قصه‌های دروغ و بی‌سامان معنا کرده‌اند.^۱ در قرآن کریم نیز جمع آن به صورت «اساطیر» به معنای اسطوره‌ها و داستان‌های خرافی بی‌اساس، به کار رفته است:^۲ إِذَا تُلِّيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ^۳ هر چند اسطوره در مفهوم قرآنی در معنای مسطورات کهن نیز محتمل است. جایگاه زبان تمثیلی و اسطوره‌ای (فولکلور) در رساندن پیام‌های دینی چیست؟ آیا می‌توان زبان متن دینی و یا پاره‌ای از آن را زبان تمثیلی و اسطوره‌ای دانست؟ بررسی این مسئله به‌ویژه در زبان قرآن و مسئله واقعیت داشتن یا نداشتن مفاهیم مطرح در آن، از جمله در قصص قرآن، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۶. موقعیت‌های معنایی و زبان‌های مختلف

افزون بر تقسیمات گذشته، کاربردهای مختلف زبان متناسب با واقعیت‌ها و زمینه‌های معنایی منشأ نوعی تقسیم‌بندی دیگری برای زبان است. وقتی کاربرد توصیفی پدیده‌ها از طریق زبان در نظر گرفته می‌شود، «زبان توصیفی» پدید می‌آید. توصیف حقایق و معانی گاه بر اساس شناخت علمی واقعیت‌های خارجی و با تبیین صرفاً قاعده‌مند علمی صورت می‌گیرد، که با «زبان علمی» روبه‌رو هستیم و گاه بر اساس شناخت متعارف و عمومی واقعیت‌ها و با تبیین گفتار عادی روزمره، که «زبان محاوره‌ای» است. گاه در پرتو وسایطی که سمبل حقایق دیگرند، مانند نگرش نمادین به پدیده‌ها، که بر واقعیتی دیگر دلالت دارند، واژگانی در زبان ظهور می‌یابند که جنبه نمادین دارند؛ مانند: لاله، که نشان شهید است و نی، که نماد هجران و فراق است و خط و خال و ابرو و... (زبان رمزی که زبان عرفانی نیز در قالب زبان رمزی است) و بالاخره، گاه توصیف حقایق با کمک احساس و تخیل روانی انسان آمیخته می‌شود و «زبان ادبی و هنری» را پدید می‌آورد.

هنگامی که زبان در مقام ترجمان اندیشه آدمی به تحلیل علمی - معلولی و تبیین عقلی - استدلالی حقایق در قالب براهین منطقی، فلسفی و ریاضی می‌پردازد، با زبان عقلی و فلسفی مواجهیم.

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، ص ۱۹۴۱.

۲. ر.ک: مجمع البیان، ج ۹-۱۰، ص ۵۰۲؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۳۸۸.

۳. قلم، ۱۵.